



همه در سایه نگاه تقلیدی و اروپامحور نگاشته شده‌اند. اگرچه آثار مهمی مانند نوشته‌های محمد شریف، ماجد فخری و سیدحسین نصر در این حوزه وجود دارد، اما هنوز هیچ‌کدام نتوانسته‌اند تصویری جامع و مستقل از سیر عقلانیت در شرق ارائه دهند. در بین تاریخ‌نویسان فلسفه، «تاریخ فلسفه در اسلام» میان محمد شریف را جامع‌ترین و «سیر فلسفه در جهان اسلام» ماجد فخری را خلاصه‌ترین و ظریف‌ترین می‌دانم؛ هرچند میان این دو طیفی از داوری‌ها وجود دارد. برخی آثار سیدحسین نصر و البیور لیمن را برتر می‌شمارند، اما مبای‌من برای ارزیابی، ساختار سازمانی و زاویه دیدی است که پشت این نگارش‌ها وجود دارد. مشکل اصلی در روایت‌های موجود، این است که تاریخ تفکر را حرکتی خطی از یونان به غرب می‌دانند، بی‌آنکه به سنت‌های مشرق‌زمین توجه کنند. در کتاب‌هایی مانند «فلسفه تطبیقی» ماسون اورسل، برای توصیف ایران تنها به چند سطر بسنده کرده: «می‌توان فیلسوف بود و پارسی نیز بوده، اما هرگز به عمق میراث فلسفه ایرانی نمی‌پردازد. این نشان می‌دهد که شرق در نگاه جهانیان هنوز ناشناخته‌مانده و نگاه رایج به تاریخ تفکر شرق، ساده‌انگارانه و سطحی است. تفکر عقلانی کهن یونانی ردی از پیوند شرق و تفکر عقلانی وجود دارد؛ تا جایی که شاگرد ارسطو، اریستوگزئوس به سفر فیثاغورس به ایران و دیدار او با اندیشمندان زرتشتی اشاره می‌کند؛ شواهدی که می‌تواند نشانه تأثیر شرق روی اندیشه فیثاغورس باشد.» او به ترجمه جدید خود: کتاب «فلسفه تطبیقی» اثریل ماسون اورسل اشاره کرد: «در این کتاب، از میان فیلسوفان ایرانی، تنها این سبنا نمودار اشاره قرار گرفته و جز او هیچ چهره‌ای حضور ندارد: گویی ایران سرزمینی است که تاریخ تفکر در آن پایان یافته و این سبنا نمودار اشاره قرار گرفته شده است. این تصویر نشان می‌دهد شرق در نگاه نویسندگان غربی، همچنان ناندیشیده و نادیده تلقی می‌شود. درحالی‌که واقعیت تاریخی نشان می‌دهد ایران یکی از مراکز اصلی شکل‌گیری اندیشه فلسفی بشر بوده است. سیر تفکر فلسفی براساس نگاه غربی پیوسته‌ای که از قبل وجود داشته و اکنون غالب است، از یونان شروع می‌شود و بقیه‌ملت‌ها همچنان در آغوش سهمی نماندند.» این هیچ فلسفه ایرانی از نقشه‌اندیشه جهانی، نه‌تصادفی، بلکه نتیجه همان هژمونی فکری است که شرق را ناندیشیده می‌خواند.

«فلسفه غربی» نامیده و حکمت ایرانی را در سایه نام یونان محو می‌کنند. این نگاه، فلسفه را ذیل مفروضات شرق‌شناسانه قرار می‌دهد و سهم دیگرملت‌ها را از تاریخ عقلانیت می‌زداید.» این استاد فلسفه با اشاره به آثار فیلسوفان غربی مانند پیتر آدامسون و دیمیتری کوتاس با مونگمری وات در سیر فلسفه جهان اسلام گفت: «با وجود ارزش علمی، این آثار هنوز در چهارچوب پارادایم‌های غرب‌محور باقی مانده‌اند. ما به بازنویسی تاریخی نیاز داریم که از پارادایم‌های غربی عبور کرده و از درون سنت‌های خودمان نوشته شود؛ نه از بیرون. پروژه بنیاد صدرا پاسخی به همین نیاز است.»

کلباسی اشتری کتاب «شرق‌شناسی» ادوارد سعید را انقلابی در حوزه دانش آکادمیک خواند: «هنوز هم دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی جهان با نام خاورشناسی، نگاهشان به شرق مبتنی بر مفروضات نادرست قدیمی است که باید این نگاه اصلاح شوند، زیرا تعقل و تاریخ تعقل انسان به تاریخ غرب محدود نمی‌شود.» کلباسی اشتری با تقدیر از نقش آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای در پیشبرد این طرح گفت: «در این چهل سال، اگرچه گاه فلسفه در تنگنای سوءتفاهم‌ها قرار گرفت، اما بنیاد صدرا و شخص آیت‌الله خامنه‌ای، نشان دادند هنوز می‌توان از عقل و معنا سخن گفت و این تازه آغاز راه است. گام‌های بعدی، بازنویسی تاریخ فلسفه تمدن‌های مصر، چین و بین‌النهرین خواهد بود.»

**بازنایی جایگاه ایران در نقشه فلسفه جهان**

سخرتان بعدی، قاسم پورحسن، استاد فلسفه اسلامی، سخنانش را با پرسشی بنیادین آغاز کرد: «چرا با وجود میراث سترگ و ریشه‌دار فلسفه در شرق، بویژه ایران، هنوز تاریخی از فلسفه نداریم که از درون این سنت برخاسته باشد و تاریخ فلسفه جهانی همچنان در آینه روایت غربی دیده می‌شود؟» او مجموعه «تاریخ جامع فلسفه» را گامی تازه برای بازنایی جایگاه ایران در نقشه فلسفه جهانی دانست: «ما واجد میراثی عظیم و عقلانی هستیم، اما تاریخ فلسفه‌ای نوشتنی‌ایم که از دل این میراث برخیزد و باید تجدید نظری جدی در تدوین تاریخ با نگاهی عمیق بر پایه تاریخ کشور خود داشته باشیم. در آغاز هر تاریخ فلسفه، شرق‌شناسی غربی، سهم شرق را انکار می‌کند. درحالی‌که اندیشه فیلسوفان اروپایی از آلبرتوس تا استروس و آکویناس آکنده از وام‌گیری‌های مستقیم از فارابی و



عکس: آیه‌علیرضاو / ایگنا

# عبور از غرب محوری

## رونمایی از پنج جلد اول مجموعه تاریخ جامع فلسفه در بنیاد حکمت اسلامی صدرا

### گزارش

#### راضیه خوئینی

گروه کتاب

با رونمایی از این آثار شاهد گامی تازه باشند در گفت‌وگویی فلسفی میان گذشته و حال، شرق و غرب و بازگشت به ریشه‌های فراموش شده خرد شرقی که در روایت‌های رسمی تاریخ فلسفه مغفول مانده است. بر قفسه‌هایی چوبی، پنج جلد کتاب قطور با جلدهای سرمه‌ای تزئین چشم‌نوازی می‌کردند؛ نشانه‌ای از تراجم گامی بقیقه‌ای که به تولد روایتی تازه از فلسفه انجامیده است. مجلسی بود برای ستایش تفکرو یادآوری سهم شرق در تاریخ خرد انسان، بیانی نوین در روایت تاریخ فلسفه ایران و شرق؛ به دور از اندیشه غرب‌زده؛ از بابل تا ایران، از هند تا چین و از آنجا تا یونان و جهان اسلام. در این نگاه، فلسفه دیگر داستانی نیست که تنها به زبان غربی روایت شده باشد، بلکه تاریخ مشترک عقلانیت انسان است در همه اقلیم‌های معنایی.

#### این تازه‌آغاز راه است

نخستین سخنران مراسم، حسین

کلباسی اشتری؛ فیلسوفی آرام و دقیق بود که چندین دهه در حوزه تاریخ و تاریخ فلسفه پژوهش کرده است. او گفت: «ریشه‌شناسی پدیده‌ها پیچیده‌ترین کار تاریخ پژوهی است. در بنیاد صدرا کوشیدیم ریشه‌های تفکر را بیابیم و «تاریخ جامع فلسفه» حاصل تلاش ما برای یافتن نسبت و سنخیت میان پدیده‌ها و اندیشه‌ها در طول تاریخ است.»

او برای استدلال دقیق درباره فلسفه و ریشه‌یابی، گزنفون و سپس هیپارکیا (نخستین فیلسوف زن تاریخ) را مثال زد و با ذکر اینکه گزنفون ریشه‌یابی کرد خوراک گنگونه بر وضع روحی آدمی در هر جامعه‌ای اثر می‌گذارد، ادامه داد: «چیزی که تحت عنوان ریشه‌شناسی با کشف ریشه‌های پدیده‌ها است اگر نگوئیم دشوارترین کارهاست، یکی از دشوارترین کارهایی است که باید کسانی در آن وارد شوند که با زحمت زیاد، محصول شگفت‌انگیز ولی از لحاظ حجم تولید کنند. چیزی که تحت عنوان «تاریخ جامع فلسفه» در

# از چشم شرقی

## نگاهی به پنج جلد منتشرشده تاریخ جامع فلسفه

بنیاد حکمت اسلامی صدرا، دو دهه است تألیف و انتشار دوره‌ای جامع و بدیع از سرگذشت اندیشه در تاریخ بشری را در دست اقدام دارد که با رویکردی منصفانه، سهم ملل و فرهنگ‌های مختلف را از این سیرتطور روشن کند. تاکنون پنج جلد از مجموعه «تاریخ جامع فلسفه» زیر نظر آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای منتشر شده است. مجلدات منتشرشده به بازخوانی آشخوهرهای اندیشه‌های فلسفی یونانیان در مشرق‌زمین (ایران و هند) اختصاص دارد. در مجلدات بعد، این ریشه‌ها و سوابق در سرزمین‌های مصر، بین‌النهرین و چین بررسی شده که به‌زودی منتشر می‌شود. هر پس از آن اندیشه‌های فلسفی در یونان؛ سپس ابداعات و افزوده‌های ایرانیان مسلمان در بازگشت اندیشه فلسفی از یونان به شرق معرفی می‌شود و تصور و تأثیر این اندیشه‌ها بر سایر ملل ترسیم می‌شود و این سیر تا روزگار معاصر بازخوانی خواهد شد. برآورد شده این مجموعه در ۱۸ جلد منتشر شود.

#### مقدمه و کلیات

جلد اول در ۳۹۵ صفحه با عنوان «تاریخ جامع فلسفه: مقدمه و کلیات» منتشر شده و به مباحثی چون ادوار حیات، تمدن، دین، اسطوره، عقل و روش‌شناسی تاریخ فلسفه می‌پردازد. این اثر که در حکم درآمدی بنیادین بر جلد‌های دیگر است، توسط آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، رئیس بنیاد حکمت صدرا نگاشته شده و با نگاهی عمیق به پیوستی فلسفه، نقش آن در تمدن بشری و پیوند تنگاتنگ آن میان اندیشه و تاریخ آغاز می‌شود. نویسنده بر این باور است که فلسفه نه رشته‌ای انتزاعی و جدا از زندگی، بلکه جوهر زنده فرهنگ و تمدن انسان است و فهم درست آن تنها در پرتو شناخت تاریخ، جامعه و تحولات فکری بشر ممکن می‌شود. از این منظر، تاریخ فلسفه فقط شرح زندگی فیلسوفان نیست، بلکه تاریخ اندیشه بشری در بستر رویدادهای اجتماعی، فرهنگی و دینی است. آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای نوشته: «سیر تحولات فکر بشر؛ چه آن را مخلوق خود او بدانیم و چه به آموزش آسمانی انبیا نسبت دهیم» به هر حال، جزئی از تاریخ خود بشر است.

و از بشر و حرکت حیاتی او روی زمین جدا نمی‌باشد؛ همانگونه که تفکر، تجربه و دانش از بشر جدا نیست.»

در طول تاریخ، افرادی در کنار ادیان و مذاهب مختلف، عقایدی درباره هستی، آفریدگار، انسان و سرنوشت او بیان کرده‌اند که این آراء، گاه به فرهنگ‌های گسترده‌ای تبدیل شده‌اند. تمدن بشر محصول رشد دانش و علوم مختلف است و فلاسفه، به عنوان پاسداران علوم طبیعی و انسانی، در این روند نقش اساسی داشته‌اند. حکمت یا فلسفه، در گذشته، حوزه‌ای از تمام دانش‌ها بود و بررسی شده که به‌زودی منتشر می‌شود. هر جا که علم باشد، تمدن نیز وجود دارد و فلسفه به عنوان روح این تمدن عمل می‌کند: «تفکر بشری از تاریخ او جدا نیست، فلسفه نیز باید همراه با تاریخ خود (تاریخ فلسفه) آموخته شود و به جلو برود و گرنه ایستا و بدون رشد و حرکت خواهد ماند و از سیر تاریخی انسان جدا و به‌دور خواهد افتاد و نقش والای هدایت صراط مستقیم تمدن راستین انسانی را از دست خواهد داد...»

در این جلد، فلسفه به‌عنوان «روح تمدن» معرفی می‌شود؛ همان‌گونه که علوم و فنون، کالبد آن هستند. نویسنده تأکید دارد از دوران باستان تا امروز، هر تمدنی که در علم پیشرفت کرده، ریشه در تفکر فلسفی و حکمی داشته است. از این‌رو فلسفه را «مادر علوم» می‌نامد و هشدار می‌دهد که بردین فلسفه از تاریخ و از سنت‌های حکمی شرقی و دینی، همانند آنچه در غرب پس از رنسانس رخ داد، به انقطاع تفکر اصیل و پراکندگی فکری منجر می‌شود.

یکی از محورهای مهم جلد اول، نگاه خاص مؤلف به نقش ایران در تاریخ اندیشه و فلسفه است. او فلسفه را پدیده‌ای جهانی می‌داند، اما بر پیوستگی تاریخی و فرهنگی تفکر ایرانی با فلسفه الهی و دینی تأکید دارد. از دید او، تفکر ایرانی، اسلامی، که در پیوند با حکمت الهی، عرفان و تعقل فلسفی شکل گرفته، مسیر اصیل تمدن و سعادت انسانی را نمایندگی می‌کند. به همین سبب، مطالعه تاریخ فلسفه بدون توجه به جریان‌های حکمی و عرفانی شرق، بویژه در ایران، ناقص و گمراه‌کننده است.

وظیفه تاریخ فلسفه، برقراری پیوندی استوار با تاریخ، شناخت راز و رمز دینامیسم و پویایی جوامع بشری و کشف نسبت رابطه انسان با جهان، زمان و جهان فرازمان است. از این‌رو، تاریخ فلسفه با تمدن، فرهنگ، روان‌شناسی فردی و اجتماعی، مفهوم تاریخ و دینامیسم، عقل، تفکر و حتی قوانین طبیعت ارتباطی وثیق دارد. بنابراین درک درست تاریخ فلسفه و سیر آن در جهان بویژه در ایران، مستلزم توجه به همه این



سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، محبوبه هادینا پژوهشگر مرکز تدوین تاریخ جامع حکمت و فلسفه بنیاد حکمت اسلامی صدرا است.

جلد دوم در ادامه جلد اول، در سال ۱۳۹۷ منتشر شد، اثری که سیر تاریخ اندیشه را از آغاز تا دوران زردشت دنبال می‌کند و پیوند میان دین، خرد و فرهنگ ایرانی را با رویکردی نوین می‌کاود. برای علاقه‌مندان به تاریخ اندیشه، فلسفه تطبیقی و ایران باستان، این جلد نه تنها منبعی پژوهشی، بلکه سفری تأمل‌برانگیز به ژرفای اندیشه ایرانی در سده‌دهم تاریخ است.

**حکمت زردشتی**

سومین جلد از این مجموعه به فلسفه حکمت در ایران باستان، بویژه دوران زردشتی می‌پردازد و بازخوانش آموزه‌های فلسفی، دینی و اخلاقی ایران پیش از اسلام را رویکردی تحلیلی و تاریخی است؛ عصری که در آن اندیشه‌های زردشت و نظام فکری مزدایی، نقشی بنیادین

در شکل‌گیری فرهنگ و تفکر ایرانی داشت. در این اثر، خواننده با مباحثی ژرف درباره شخصیت زردشت، ساختار فکری و فرهنگی روزگار او، مفاهیم توحید و ثنویت، نظام ایزدان و امشاسپندان، فلسفه اخلاق و سیاست در سنت ایرانی و جایگاه مغان در حیات فکری ایران باستان آشنا می‌شود. این کتاب روابط فکری ایران با تمدن‌های هم‌عصرش چون یونان، بین‌النهرین و شرق آسیا را می‌کاود و تصویری از گفت‌وگوی تمدن‌ها در دوران پیش از اسلام ارائه می‌دهد. این جلد افزون بر محتوای پژوهشی، شامل نمایه‌های دقیق از اشخاص، مکان‌ها و آثار تاریخی است؛ تلاشی سید احمدرضا قائم‌مقامی ایرانی پیش از اسلام از خلال اسطوره، دین، فلسفه



و بازخوانی ریشه‌های عقلانیت ایرانی در سده‌دهم تاریخ تفکر بشر. در تدوین این جلد گروهی از محققان برجسته همکاری داشته‌اند. از جمله: محمدتقی راشد‌محصل عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مهشید مهرخواری عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چنگیز مولایی عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز، مهدی علایی پژوهشگر آزاد، سید احمدرضا قائم‌مقامی اسفندیار طاهری و محبوبه هادینا.

**حکمت ددایی**

این مجموعه در چهارمین گام خود به سرزمین کهن و اسرارآمیز هند می‌رسد؛ جایی که کثرت ادیان و نمله‌های گوناگون فلسفی و عرفانی که پیروان این هزاره‌ها، با دو جنگ و خصومت در کنار یک‌دیگر زیسته‌اند و معادلات و مجادلات را در بحث‌های جدلی و مناظره‌ای را در رسالت و مکتوبات با ارائه استدلال‌های منطقی و احتجاج‌های عقلانی در اثبات

عقاید خود و تکذیب نظریات مکاتب مخالف طرح و رفع کرده‌اند. جلد چهارم به بررسی ریشه‌های فلسفی و الهیاتی در سنت ودایی و هندویی می‌پردازد؛ از سرودهای باستانی «ریگ‌ودا» تا نظام‌های متأخر فلسفی چون ودانت، یوگا و مکتب بهکتی. این جلد، هندوستان را نه صرفاً به عنوان خاستگاه ادیان متکثر، بلکه به مثابه یکی از اولین زادگاه‌های تفکر نظری بشری نگرد؛ جایی که اندیشه درباره هستی، خدا و روح از طریق مراقبه، تزکیه نفس و شهود درونی پی‌گیری شده است، نه تنها از رهگذر قیاس و استدلال منطقی. این مجلد نشان می‌دهد چگونه مفاهیمی چون برهمن (اصل مطلق وجود) و آتمن (خود حقیقی) در دستگاه‌های فلسفی هندویی محور



تبیین هستی‌اند و چگونه اندیشه‌های وحدت وجودی، دوگرایی فلسفی و اخلاق مبتنی بر «اهیمسا» (عدم خشونت) از دل سنت ودایی‌زاده شدند. در عین حال، نویسندگان به تأثیر متقابل فرهنگ‌های درویدی و آریایی و ارتباط آموزه‌های هندوئی با دیگر سنت‌های فکری شرق و غرب اشاره کرده‌اند. این اثر تصویری دقیق، مستند و فلسفی از یکی از ژرف‌ترین میراث‌های معنوی بشر پیش چشم خوانندگان می‌کشاید؛ بنابراین برای پژوهشگران فلسفه تطبیقی، ادیان و عرفان شرقی اثری مرجع و الهام‌بخش است.

در نگارش این جلد، سه نفر از پژوهشگران برجسته فلسفه و ادیان همکاری داشته‌اند: پریا الیاسی پژوهشگر فلسفه و عرفان، محمدجواد شمس عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، محمدرضا عدلی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

#### مکاتب فلسفی هند

جلد پنجم این مجموعه به مرحله‌ای عمیق‌تر از مطالعه فلسفه در شرق می‌رسد: بررسی نظام‌مند مکاتب فلسفی هند، چرا که فلسفه در هند شأنی چون دین دارد و همجو عرفان، اشراقی و شهودی است؛ به همین دلیل هرگز لفظی متعارف با فلسفه، مانند آنچه در غرب متداول است، ندارد. این جلد با نگاهی تحلیلی و تطبیقی به مکاتب بزرگ فلسفی هند می‌پردازد؛ نظام‌هایی که درن‌ها تفکر، شهود و تجربه معنوی را در خود گرد آورده‌اند. در این جلد، فلسفه هندی به‌عنوان دانش نظری، بلکه به‌مثابه راهی برای سرنگاری و آزادی روح معرفی می‌شود. نویسندگان این جلد تلاش می‌کنند که در سنت هندویی، مرز میان دین، فلسفه و عرفان درهم شکسته و «درشته‌ها (مکاتب فلسفی) هر یک تلاشی‌اند برای کشف حقیقت یگانه‌ای که تنها از منظره‌های گوناگون دیده می‌شود. از این‌رو، فلسفه در هند بیش از آنکه جدال عقلانی میان مکاتب باشد، سلوک معنوی و معرفتی است. این کتاب با واکاوی مفهوم بنیادین دهرمه (حکمت و قانون هستی) و نسبت آن با شناخت «خود» (آتمن) و «اصل مطلق وجود» (برهمن)، به دست‌بندی سنتی مکاتب فلسفی هند می‌پردازد. مکاتبی که به دو شاخه بزرگ تقسیم می‌شوند: ناستیکه‌ها (ودایواران)؛ مانند نیاپیه (منطق)، ویشیشکه (طبیعیات)، سانکهایه (جهان‌شناسی)، یوکه (روان‌شناسی و سلوک)، میمانسا (اصالت صوت و آیین) و ودانتیه (حکمت الهی). شاخه دیگر ناستیکه‌ها (ودایاواران)؛ مکاتبی که رجوعیت متون ودایی را نمی‌پذیرند، چون چارواکه (مکتب مادگیرا)، اجیویکه (مکتب زهد و ریاضت)، جینه و بودایی... در کنار بررسی دقیق هر مکتب، مؤلفان به پیوستگی تاریخی، گفت‌وگوی میان نمله‌ها و نقش این نظام‌های فکری در شکل‌گیری عرفان، اخلاق و کلام هندی پرداخته‌اند. در نگارش این اثر سه پژوهشگر برجسته حوزه فلسفه و ادیان همکاری داشته‌اند: ارسطو میرانی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، محمدرضا عدلی و محبوبه هادینا. جلد پنجم در واقع تصویری جامع، مستند و فلسفی از منظومه فکری هند ارائه می‌دهد؛ منظومه‌ای که در آن، عقل و اشراق، برهان و مراقبه، دین و فلسفه و پیوندی شگفت‌انگیز به وحدت می‌رسند و خواننده از فلسفه جنبه، بودایی، هندویی، نمایه اشخاص، نمایه اصطلاحات و مکاتب و مکان‌ها آگاهی می‌یابد.